

Functionalism of ideology in the novel *Ten Ghezelbash*

Somayeeh Sharooni^{*}, Mohammad Parsanasab^{**}

Manochehr Joukar^{***}, Zahra Nasiri Shiraz^{****}

Abstract

By studying literary works, the person can identify the cultural and ideological discourses in the community and analyze the culture dominated over various generations and multifarious literary genres. In the current study, the authors have focused on how the ideology expressed in the historical novel titled *Ten Ghezelbash* according to the Jean Baechler's view point. According to this view point, ideology encompasses fivefold function as "alignment and orientation, justification, denial, positioning, perception and understanding"; Therefore, according to these criteria, we also study how the ideology presented in this novel and we explain some concepts of these functions, in terms of importance, frequency of presence and analysis respectively. Since Hossein Masroor in *Ten Ghezelbash* has united and depicted the dominant ideologies with explanation of the historical events in the Safavid era, studying study and discovering the hidden ideology in the text can reveal a picture of the cultural and ideological discourse of community in the domain of author's era. The obtained results of the reacher in the study demonstrate that the historical novel of *ten Ghezelbash* has been written by using an ideological

* PhD Student in Persian language and literature, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran
(Corresponding Author), s.sharuni69@gmail.com

** Professor of Persian language and literature, Kharazmi University, parsanasab@khu.ac.ir

*** Associate Professor of Persian Language and Literature, Shahid Chamran University of Ahvaz,
Ahvaz, Iran, gol.joukar@gmail.com

**** Assistant Professor of Persian Language and Literature, Shahid Chamran University of Ahvaz,
Ahvaz, Iran, Zahra.nasirishiraz@yahoo.com

Date received: 2022/04/25, Date of acceptance: 2022/8/31



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

approach in the national-religious domain and religion and government are considered as two important ideological contents in this work.

Keywords: ideology, historical novel, Ten Qezelbash, Hossein Masroor.

کارکردشناسی ایدئولوژی در رمان ده نفر قزلباش

سمیه شرونی*

محمدپارسا نسب**، منوچهر جوکار***، زهرا نصیری شیراز****

چکیده

با مطالعه در آثار ادبی می‌توان گفتمان فرهنگی و ایدئولوژیکی جامعه را شناسایی و فرهنگ حاکم بر نسل‌های گوناگون و ژانرهای مختلف ادبی را واکاوی کرد. در پژوهش حاضر نگارندگان به شیوه‌های بیان ایدئولوژی در رمان تاریخی ده نفر قزلباش بر اساس دیدگاه ژان بشلر پرداخته‌اند. بر اساس این دیدگاه ایدئولوژی کارکردهای پنج‌گانه‌ای همچون «صف آرایی و جهت‌گیری، توجیه، پرده‌پوشی، موضع‌گیری، دریافت و ادراک» دارد؛ از این رو، ما نیز براساس این ملاک‌ها، به مطالعه در نحوه حضور ایدئولوژی در این رمان می‌پردازیم و برخی از مصادیق این کارکردها را، به ترتیب اهمیت و بسامد حضور، واکاوی و تبیین می‌کنیم. از آنجا که حسین مسرور در ده نفر قزلباش تسلط ایدئولوژی‌های حاکم را با شرح رویدادهای تاریخی عصر صفوی پیوند زده و تصویر کرده است، مطالعه و کشف ایدئولوژی پنهان در متن می‌تواند تصویری از گفتمان فرهنگی و ایدئولوژیکی جامعه عصر نویسنده را آشکار سازد. نتایج حاصل از پژوهش بیانگر آن است که رمان تاریخی ده نفر قزلباش با رویکرد ایدئولوژیکی ملی-مذهبی نگارش یافته است و مذهب و حکومت دو بن‌مایه ایدئولوژیکی مهم این اثر محسوب می‌شود.

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز ایران (نویسنده مسئول)،
s.sharuni69@gmail.com

** استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی،
parsanasab@khu.ac.ir

*** دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید چمران اهواز،
gol.joukar@gmail.com

**** استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید چمران اهواز،
Zahra.nasirishiraz@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۶/۹



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

کلیدواژه‌ها: ایدئولوژی، رمان تاریخی، ده نفر قزلباش، حسین مسرور (سخنپار)

۱. مقدمه

واژه «ایدئولوژی» از زمان پیدایش تاکنون تعاریف و مفاهیم بسیار گوناگون و گاه ضدونقیضی داشته، وجوه سلبی یا اثباتی یافته‌است. ژان بشلر نگاه مثبتی بدان دارد و آن را «جزو لاینفک اجتناب‌ناپذیر جوامع دانسته که از زندگی در جامعه سرچشمه می‌گیرد و آن را حالتی از آگاهی و شعور می‌داند که با عمل سیاسی پیوند دارد» (نک: بشلر، ۱۳۷۰: ۳۴)؛ اما دیدگاه مارکس و انگلس بدبینانه و سلبی است. آن‌ها معتقدند که «ایدئولوژی عامل عمده تسلط و توجیه موقعیت گروه حاکم بر جامعه است» (مرادی، ۱۳۸۶: ۴۲). کارل مانهایم نیز معتقد بود که «روحیه ایدئولوژیک بر پایه فریب آگاهانه استوار است و ما سر و کارمان با فریب عمدی دیگران است که برای هدف و نیتی صورت می‌پذیرد» (مانهایم، ۱۳۸۰: ۲۶۱). آلتوسر نیز ایدئولوژی را محصول اذهان مردم نمی‌داند؛ بلکه آن را «به مثابه یک هستی نیمه-مادی می‌داند که معرف تفکر مردم بوده» و معتقد است: «در ایدئولوژی، انسان‌ها رابطه بین خودشان و شرایط هستی‌شان را بیان نمی‌کنند؛ بلکه به راستی شیوه زندگی کردن بر مبنای رابطه میان خود و شرایط هستی‌شان را بیان می‌کنند» (مک‌للان، ۱۳۸۵: ۶۳).

به همین سان، رویکرد منتقدان درباره نحوه حضور و سیر ایدئولوژی در جامعه ایرانی نیز متفاوت است، آن‌گونه که منتقدی می‌نویسد:

تاریخ معاصر ایران تاریخ دولت مستعجل ایدئولوژی‌ها و نشستن یک ایدئولوژی به جای دیگری است. هر تحول سیاسی (تعطیلی مجلس، کودتا و یا سقوط از سلطنت و ...) بهانه‌ای برای بی‌اعتباری و سقوط ایدئولوژی حاکم و به قدرت رسیدن یک ایدئولوژی تازه است (امن خانی، ۱۳۹۸: ۱۲۰).

از این منظر، مطالعه در نحوه حضور ایدئولوژی در جامعه ایرانی، ارزشی مسلم است که می‌توان آن را از رهگذر مطالعه در آثار ادبی تبیین کرد و چون هر متنی در بافت فرهنگی خاصی شکل می‌گیرد؛ با مطالعه در آثار ادبی می‌توان گفتمان فرهنگی و ایدئولوژیکی آن جامعه را شناسایی کرد و فرهنگ حاکم بر نسل‌های گوناگون و ژانرهای ادبی مختلف را مورد بررسی قرار داد.

متن ادبی‌ای که در این پژوهش مورد تحلیل و واکاوی قرار می‌گیرد رمان تاریخی ده نفر قزلباش از حسین سخنیار (۱۳۴۷-۱۲۶۹) نویسنده و شاعر اصفهانی، متخلص به «مسرور» است که برخی آن را «بهترین رمان تاریخی فارسی» دانسته‌اند (نک. سپانلو، ۱۳۸۱: ۱۳۶) و یان ریپکا نیز معتقد بود در صورت ترجمه شدن این اثر به زبان انگلیسی، مورد استقبال بی‌ظنیری قرار خواهد گرفت (نک. اتحاد، ۱۳۷۹: ۲۸۸) مسرور در این اثر تسلط ایدئولوژی-های حاکم را با شرح رویدادهای تاریخی عصر صفویه بیان کرده است. نظر به این‌که «هر ایدئولوژی مجموعه‌ای از اشتباهات، اوهام و نیرنگ‌ها می‌باشد که به وسیله تاریخ قابل توضیح است؛ مطالعه ایدئولوژی‌ها سبب انتقادی بنیادی و توضیح وسیع تاریخی است» (لوفور، ۲۰۰۸: ۳۸) بنابراین مطالعه و کشف ایدئولوژی پنهان در متن، می‌تواند تصویری از گفتمان فرهنگی و ایدئولوژیکی جامعه عصر نویسنده را آشکار سازد و تحولات فرهنگی حاکم بر نسل‌های گوناگون را نشان دهد.

کارکردشناسی ایدئولوژی در این اثر بر مبنای کتاب *ایدئولوژی چیست؟* ژان بشلر انجام شده است. بشلر جامعه‌شناس برجسته فرانسوی و استاد جامعه‌شناسی تاریخی و عضو آکادمی علوم اخلاقی و سیاسی است. در دسامبر ۱۹۹۹ در بخش اخلاق و جامعه‌شناسی در صندلی منتخب با انتقال آلن بزانشون انتخاب شد. وی از سال ۲۰۱۱ ریاست آکادمی و انستیتوی دو فرانسه را بر عهده دارد. برخی از آثار منتشر شده ایشان عبارتند از: *دموکراسی*، *چکیده فلسفه سیاسی و ایدئولوژی چیست؟*. پرسش مهم پژوهش حاضر این است که حسین مسرور در قالب این رمان تاریخی چه ایدئولوژی‌هایی را پرورانده و آن‌ها را به چه شگردها و شیوه‌هایی بیان کرده است؟ در حقیقت کارکردشناسی ایدئولوژی در این رمان تاریخی اساس کار ماست.

۲. پیشینه پژوهش

«نقش ایدئولوژی در متون ادبی» از موضوعات مهم و قابل تأملی است که تا حدودی مورد توجه قرار گرفته است؛ اما بررسی‌ها نشان می‌دهد که تاکنون هیچ پژوهشی درباره ابعاد اندیشگانی و ایدئولوژیکی ده نفر قزلباش صورت نگرفته است؛ بنابراین تنها به معرفی پژوهش‌هایی خواهیم پرداخت که مشابهتی با موضوع ما دارند و یا به لحاظ روش کار، ممکن است سرنخی در اختیار ما بگذارند:

فردوس آفاگل زاده (۱۳۹۱) در «توصیف و تبیین ساخت‌های زبانی ایدئولوژیک در تحلیل گفتمان انتقادی»، به تعریف ساخت زبانی ایدئولوژیک و چگونگی بازنمایی آن در متون پرداخته است. دیگر پژوهش مرتبط با این موضوع، پایان نامه‌ای است که سوده خسروی (۱۳۹۱) با عنوان «بررسی کارکردهای ایدئولوژی در انقلاب اسلامی ایران: تحلیل ترکیبی متن‌های چندگانه انقلابی بر اساس مدل ژان بشلر» نگاشته است. این پژوهش در رشته علوم سیاسی دانشگاه فردوسی به انجام رسیده و در آن کارکردهای ایدئولوژیکی مورد نظر بشلر با تکیه بر چند متن نشان داده شده است. حسن دلبری و فریبا مهری (۱۳۹۴) نیز در «کارکرد ایدئولوژی در لایه‌های سبکی داستان حسنک وزیر»، مبانی ایدئولوژیک نویسنده را با تکیه بر اصول سبک‌شناسی لایه‌ای در سه لایه واژگانی، نحوی و بلاغی بررسی و تحلیل کرده اند. «واکاوی ایدئولوژی در جهانگشای جویی» نیز عنوان پایان نامه‌ای است که مهناز طبیعت بلند (۱۳۹۴) نگاشته و به بررسی تأثیر ایدئولوژی‌ها در متن پرداخته است. زهرا درّی نیز در مقاله «بررسی و تحلیل لایه ایدئولوژیک واژگان در داستان امیر ارسلان» (۱۳۹۸) به سبک‌شناسی لایه‌های ایدئولوژیک متن و بررسی واژگانی اثر پرداخته است و پس‌زمینه‌های اجتماعی و تاریخی آن را مطالعه کرده است. چنان‌که مشاهده می‌شود مطالعه در این تحقیقات معدود، صرفاً می‌تواند از حیث اتخاذ رویکرد پژوهشی مناسب، مطمح نظر قرار گیرد.

۳. بحث و بررسی

۱.۳ بافت موقعیتی متن

از جمله مقولاتی که در کشف ایدئولوژی متن باید به طور دقیق بررسی شود، بافت موقعیتی متن است.

اصطلاح بافت در معنای آنچه پیرامون چیزی است به کار می‌رود و به محیط اطراف، یعنی زمان و مکان در برگیرنده متن، اطلاق می‌شود. البته گاه این زمان و مکان، از زمان و مکان بلافصل یا بافت خرد فراتر می‌رود و فرهنگ یک جامعه یا ملت را در بر می‌گیرد، که به آن بافت کلان می‌گویند. این تعبیر در حوزه‌ها و رویکردهای گوناگون، با عبارتهای متفاوتی چون زمینه، بافت، بافت موقعیتی، بافتار و مواردی از این دست بیان شده است. (نک: ساسانی، ۱۳۸۹: ۱۱۱)

به‌علاوه، در بررسی بافت و موقعیت «جایگاه اجتماعی و سیاسی گوینده، مراکز قدرت و گفتمان‌های مورد بحث در جامعه و مخاطب متن نیز شایسته توجه‌اند.» (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۱) چنین به نظر می‌رسد که در شرایط و فضای سیاسی و اجتماعی خاصی نویسندگان درد و دغدغه ایران را داشتند و به فعالیت‌های سیاسی می‌پرداختند؛ که این برنامه‌های سیاسی گاه فعالیت ادبی آنان را نیز تحت تأثیر قرار می‌داد. فی‌المثل

در نظر اقبال آشتیانی احیای متون بیش از آنکه امری صرفاً پژوهشی و ادبی باشد کنشی سیاسی است و در حقیقت همین دغدغه‌ها بود که روشنفکران و ادیبان را به سمت ایدئولوژی سوق داد. ایدئولوژی نقشه‌ای برای عبور از بحران‌ها بود. (امن خانی، ۱۳۹۸: ۱۰۹)

بر پایه این مقدمات، در ادامه به بررسی اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عصر نگارش ده نفر قزلباش می‌پردازیم.

رضا شاه در ۱۳۰۴ با پوشیدن لباس نظامی مزین به جواهرات سلطنتی به عنوان شاهنشاه ایران تاجگذاری کرد. در این سال‌ها وطن عرصه جدال و تقابل احزاب مختلف بود که گهگاه خود نیز به چند جناح رقیب تقسیم شده بودند و هر روز اتفاقاتی در کشور به وقوع می‌پیوست که وضع را از آنچه بود بدتر می‌کرد. از جمله این رویدادها قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس و شورش‌های ایالتی ۱۳۰۰-۱۲۹۸ بود که دموکرات‌ها را به دو جناح رقیب تقسیم کرده بود و عده‌ای طرفداران «تشکیلی‌ها»ی نگران فروپاشی ملی، که از دولت مرکزی طرفداری کرده بودند و عده دیگر ضد تشکیلی‌های مخالف قرارداد که از شورش‌های ایالتی طرفداری کرده بودند (آبراهامیان، ۱۳۸۴: ۱۵۲)

حسین مسرور با نگارش رمان تاریخی ده نفر قزلباش خود را جزو گروه اول معرفی می‌کند. او در این اثر، تمامی تلاش خود را به کار می‌گیرد تا ضرورت و اهمیت حفظ موقعیت فرمانروا و اطاعت از حکومت مرکزی را به خواننده تفهیم کند. ایدئولوژی‌ها نیز توضیح‌دهنده و توجیه‌کننده قدرت سیاسی‌اند؛ بنابراین نویسنده برای همراه ساختن خوانندگان با تفکر خود آن‌ها را به کار می‌گیرد. مسرور خود در مقدمه رمانش هدف از نگارش ده نفر قزلباش در سال‌های متلاطم دهه ۱۳۲۰ را عبرت دادن به ملت ایران می‌داند تا در روزهای خطر برای بقای موجودیت خود از گذشتگان قهرمان وطن خویش الهام

بگیرند(نک: مسرور، ۱۳۸۳: ۱۱). «در شهریور ۱۳۲۰ نیروهای انگلیس و شوروی ایران را اشغال کردند. اشغال متفقین بلافاصله سرنوشت رضاشاه را رقم زد و ارتش در برابر حملات هواپیماهای انگلیس و شوروی به سرعت عقب‌نشینی کرد. افسران از پایتخت گریختند و سربازان به روستاهای خود فرار کردند، رهبران مذهبی از کتابخانه‌های حوزه‌ها خارج شدند و وعظ و خطابه از سر گرفتند. در حالی که در شانزده سال گذشته، قدرت کاملاً در دست‌های یک مرد متمرکز شده بود، در سیزده سال بعد یعنی از سقوط سلطنت نظامی رضاشاه در شهریور ۱۳۲۰ تا آغاز سلطنت نظامی محمدرضاشاه در مردادماه ۱۳۳۲ قدرت در بین پنج قطب جداگانه دربار، مجلس، کابینه، سفارت‌خانه‌های خارجی و مردم دست به دست می‌شد و هر کدام از این مراکز قدرت کشمکش‌های درونی خاصی داشت»(همان: ۲۰۸) و دقیقاً در چنین شرایطی بود که حسین مسرور با مشاهده کشمکش‌ها، جدال و تفرقه‌ها در رمان تاریخی *ده نفر قزلباش*، ضرورت اطاعت از یک شخص (شاه) و حمایت از خاندان سلطنتی را به‌عنوان تفکر بنیادی خود آشکار کرد. در رمان مسرور مردم ابداً کانون توجه نیستند و زمانی هم که از جوانانی گمنام (مردم عادی) سخن می‌گوید آنان را به‌واسطه دلبستگی و وفاداریشان به خاندان حکومت و فدا شدن برای شخص شاه، محبوب و قهرمان می‌نامد. مسرور هیچ‌گونه اعتراض و طغیان علیه حکومت را نمی‌پسندد و هرگز قهرمانان داستانش را به اعتراض علیه رفتارهای شاه تحریک نمی‌کند.

در بررسی بافت موقعیتی متن، علاوه بر موارد ذکر شده توجه به اینکه مؤلف کیست و متعلق به کدام طبقه اجتماعی است نیز اهمیت بالایی دارد.

حسین سخنیار (مسرور) سال‌ها عضو هیأت رئیسه انجمن ادبی ایران - از مهم‌ترین مجامع سنت‌گرای ادبی دوره رضا شاه - بود. برای رادیو نیز برنامه‌های «شهر سخن» و «ایران در آینه زمان» را تهیه می‌کرد. از دوستان ملک‌الشعراى بهار بود و به اسلوب کهن شعر می‌گفت (میرعابدینی، ۱۳۸۰: ۳۵)

آشنایی مسرور با شعر و ادبیات ایران در روایت تاریخی‌اش انعکاس فراوان یافته است. علاوه بر رمان تاریخی *ده نفر قزلباش*، مطالعه دیوان اشعار مسرور و زندگی او نیز از وطن - دوستی و عرق ملی‌اش، تلاش برای احیای هویت ملی و انگیزش احساسات ناسیونالیستی، دعوت به مبارزه علیه دشمنان و علاقمندی او به خاندان سلطنتی و رضا شاه حکایت دارد.

کارکردشناسی ایدئولوژی در رمان ده نفر قزلباش (سمیه شرونی و دیگران) ۱۲۱

مسرور در دیوان اشعارش در ستایش ایران و سرزمین پارس از آذربایجان تا بوشهر غزل- سرایی کرده و آنان را به بیداری نسبت به شرایط کشور و توطئه دشمنان فراخوانده است:

ای دیار فارس در این تیره شب بیدار باش غول و وحشت راهزن شد رهبر احرار باش
چشم ایرانشهر را خواب پریشان خیره کرد باز کن چشم جهانبین واقف اسرار باش
از چپ و از راست بر بازوی ایران مار رست کاوه آسا مرگ این ماران مردمخوار باش

(مسرور، ۱۳۳۸: ۳۰)

این ابیات حس میهن پرستی و تلاش مسرور برای احیای مجد و عظمت ایران را به خوبی نشان می دهد؛ تا جایی که سرانجام نویسنده، در مقام وطن پرستی متعصب و ناسیونالیستی افراطی، به عشق و شیفتگی کشیده می شود (نک. سیاسی، ۱۳۴۸: ۱۸) تاریخچه اشعار مناسبی مسرور نشان می دهد که از ته دل و از بن دندان به رضاشاه عشق می ورزید و علاقه اش به قبل از سال های سلطنت او نیز می رسد. برای نمونه وقتی اول بار رضاخان - افسری جوان با شنلی آبی - را در سال ۱۳۰۱ می بیند، غزل «تیغ رستمی» برای مردی که معتقد است ایران در انتظار اوست می سراید:

باش تا بینی دوباره ایران کو کبـه با سـتـان بـگـیـرد
کو دکی از دودمان شیران آید و تخت کیان بگـیـرد

(مسرور، ۱۳۳۸: ۳۷)

«طرز تربیت و محیط زندگی مسرور، افق خاص فکری، مقتضای سن و معلومات او طوری بود که تمام عمر طرفدار قدرت سلطنتی بود.» (سیاسی، ۱۳۴۸: ۲۸) حسین مسرور سرانجام پس از ۸۰ سال زندگی، در مهر ۱۳۴۷ بر اثر ابتلا به سرطان درگذشت. (میرعابدینی، ۱۳۷۷: ۱۳۶)

مشهورترین اثر مسرور رمان تاریخی ده نفر قزلباش است. او این اثر را نخستین بار در پاورقی روزنامه اطلاعات در ۱۳۲۷ به چاپ رسانده؛ اما چاپ مستقل آن در قالب کتاب در ۱۳۳۵ در پنج جلد انجام شده است. (پارسانسب، ۱۳۹۰: ۲۱۰) در جلد نخست رمان، نویسنده ضمن روایت حوادث تاریخی روزگار شاه تهماسب، حملات ازبکان و مقابله جوانان قزلباش با آنان، به ماجرای دلدادگی یک جوان گمنام به دختری از خاندان سلطنتی می پردازد. در جلد دوم نویسنده در حالی که ماجرای عشقی تازه ای را به روایت تاریخی اش

افزوده، به جنگ‌های ایران و عثمانی و تاتار، شورش‌های داخلی و اوضاع نظامی ایران پرداخته است. جلد سوم مختص حوادث تصرف تبریز به دست عثمانی‌ها، آشفته‌گی اوضاع داخلی ایران و پس از آن روی کار آمدن شاه عباس و تلاش‌هایش برای سامان دادن به اوضاع کشور است. جلد چهارم و پنجم نیز روایت جنگ‌های ایران با پرتغال و ازبک و عثمانی‌ها و در نهایت پیروزی صفویان بر دشمنان و نجات تبریز از دست عثمانی‌ها است. در سال ۱۳۸۳ این اثر به طور کامل در یک جلد و در ۶۳ فصل از سوی نشر هرمس به چاپ رسید. نشر کتاب ساده و ساختار نحوی جملات گاهی به شیوه نویسندگی عصر صفویه و قاجاریه نزدیک می‌شود. نویسنده با به کارگیری واژه‌ها و اصطلاحات ترکی و متغیرهای تاریخی و جغرافیایی در متن تلاش می‌کند مخاطب را با روایت تاریخی‌اش همراه سازد.

۲.۳ روایت و ایدئولوژی در ده نفر قزلباش

از آنجا که میان شیوه روایتگری داستان و ایدئولوژی حاکم بر متن، رابطه مستقیم برقرار است، پیش از ورود در مبحث اصلی، به مطالعه این موضوع در ده نفر قزلباش می‌پردازیم. راوی ده نفر قزلباش برون‌داستانی است و رمان از زاویه دید سوم شخص روایت می‌شود. در این شیوه راوی در خارج از داستان قرار می‌گیرد و همه چیز را بر مبنای زاویه دید خود بیان می‌کند؛ بنابراین به راحتی می‌تواند ایدئولوژی‌های خاص خود را در روایت وارد سازد. در این اثر هرچند راوی به ظاهر در شکل‌گیری یا پیش‌برد رویدادها نقشی ندارد و داستان دیگر شخصیت‌ها را بازگو می‌کند؛ اما گاه حضور خود را با روایت داستان‌های فرعی و نه‌چندان مرتبط با اصل داستان، نشان می‌دهد؛ مثلاً به زعم خودش برای فهم بهتر خواننده، نمونه‌هایی از حوادث تاریخی را نقل می‌کند و یا با به‌کاربردن واژه‌ها و عبارات نقش‌نمایی نظیر «حال باید دید»، «حالا باید پرسید»، «اینک به داستان برگردیم» و امثال این‌ها، در واقع حضور «خود»ش را در متن روایت نشان می‌دهد و موضعش را مشخص می‌کند. در چنین مواقعی او در مرز داستان و تحلیل تاریخ حرکت می‌کند: «...حال باید دید چگونه در فاصله یک شب، این واقعه عجیب تاریخی روی داد و چگونه تاریخ ایران در اثر آن صحیح پراشوب از مجرای خویش تغییر مسیر داد. حادثه صبح روز عید...» (مسرور، ۱۳۸۳: ۵۵۶).

مسرور گاه وقایع تاریخی را با شرحی متفاوت از تاریخ بیان می‌کند و تاریخ عصر صفویه را با استفاده از دو قانون «حذف» و «انتخاب» -که مورخان نیز در شیوه‌های شرح تاریخی، از آن استفاده می‌کنند(نک: نجومیان، ۱۳۸۵: ۴۱) -روایت می‌کند و در حقیقت یک نوع روایت زبانی خاص برمی‌سازد؛ بدین گونه که پس از حذف یا انتخاب برخی از اسناد، با بهره‌گیری از عقاید و باورها و اندیشه‌های حاکم بر ذهنش در قالب روایت سوم شخص و به سان یک مورخ به شرح حوادث می‌پردازد و از انتخاب‌ها و حذف‌هایش دفاع می‌کند. او در این اثر تلاش می‌کند «گذشته پر افتخار» را به مخاطبش یادآوری کند و او را به «وطن پرستی» و «وحدت ملی» تشویق کند؛ بنابراین هر حقیقت تاریخی که با این هدف در تضاد باشد، حذف می‌گردد.

۳.۳ تبیین نظریه ژان بشلر

بشلر در کتاب *ایدئولوژی چیست؟* (۱۳۷۰: ۹۱-۶۱) به کارکردهای پنج‌گانه آن، یعنی «صف آرایی و جهت‌گیری، توجیه، پرده‌پوشی، موضع‌گیری، دریافت و ادراک» می‌پردازد؛ از این رو، ما نیز براساس همان ملاک‌ها، به مطالعه در نحوه حضور ایدئولوژی در *ده نفر قزلباش* می‌پردازیم و برخی از مصادیق این کارکردها را، به ترتیب اهمیت و بسامد حضور، واکاوی و تبیین می‌کنیم. بشلر در تبیین نظریه خود می‌نویسد: «منظور من از کارکردهای ایدئولوژی پاسخ‌هایی است که باید به این پرسش عامیانه داد که «ایدئولوژی به چه درد می‌خورد؟» و با توجه به همه جوانب من پنج کارکرد را مشخص کرده‌ام.» (بشلر، ۱۳۷۰: ۶۱).

۴.۳ کارکردهای ایدئولوژی در رمان ده نفر قزلباش

۱.۴.۳ صف آرایی و جهت‌گیری

صف آرایی و جهت‌گیری عبارت است از رو در رویی دو گروه یا دو اندیشه متضاد که هر کدام از این دو گروه و دو اندیشه، با هدف‌ها و علایق و شعارهایی از دیگری متمایز می‌شود. (نک: بشلر، ۱۳۷۰: ۶۶) بشلر بر این اساس «اولین کارکرد ایدئولوژی را شناسایی دوستان به یکدیگر -یعنی تمام کسانی که در یک جبهه واحد قرار دارند- و همچنین معرفی دشمنان» می‌داند (همان: ۶۲).

برخی از مصادیق ایدئولوژی‌زدگی رمان تاریخی ده نضر قزلباش با استفاده از این کارکرد نشان داده شده است؛ یعنی نویسنده دو مذهب، دو اندیشه، دو کشور را رو در روی هم قرار می‌دهد و سپس با برتر دانستن یکی نسبت به دیگری، ایدئولوژی حاکم بر ذهن و زبان خود و جامعه را بر متن حاکم می‌کند؛ اما مهم‌ترین جهت‌گیری و صف‌آرایی در ده نضر قزلباش، تقابل دو مذهب سنی و شیعه است. نزاع‌های مذهبی عصر صفوی در کتاب‌های تاریخی انعکاس بسیار داشته است و حسین مسرور نیز که در این اثر به روایت داستانی از دل تاریخ پرداخته، با اشاره به این تقابل‌ها و جهت‌گیری‌ها، ایدئولوژی خود را بیان کرده است. بنابر روایت مسرور با روی کار آمدن شاه اسماعیل دوم مذهب تشیع از رواج افتاد و نبرد شیعه و سنی بالا گرفت تا آنجا که تمامی شیعیان و کسانی که «علی ولی الله» را به زبان می‌آوردند روانه زندان می‌شدند. مسرور در روایت این بخش از داستان، متأثر از ایدئولوژی است و نمی‌تواند جدای از اعتقادات مذهبی خود به روایت داستان بپردازد:

قربان هرکس در شهر «علی ولی الله» را بر زبان آورد، گرفته زجر می‌کنند. آخوندها و پیش‌نمازهای سنی به اتفاق سپاهی و قورچی به مسجد می‌روند و هرکس اسم شیخین را به بد یاد کند تازیانه می‌زنند. امروز مردم در بازار با قورچیان به زد و خورد پرداختند، حال، مرا بی‌تقصیر گرفته و به اینجا آورده‌اند. (مسرور، ۱۳۸۳: ۲۳۷)

در این بند، عبارت‌های «زجر می‌کنند»، «تازیانه می‌زنند» و «مرا بی‌تقصیر گرفته» بیانگر باور راوی درباره مخالفت با اهل تسنن و نقد اعمال و رفتار آنهاست. قابل ذکر است که طبعاً این عبارت‌ها خارج از بافت بر نگرش خاصی دلالت ندارند و تنها در بافت کلام است که تقابل عبارت «علی ولی الله» و «شیخین» بر ایدئولوژی نویسنده دلالت دارد. مسرور در ادامه نیز مخالفت خود را از چیرگی سنی‌مذهبان از زبان یکی دیگر از شخصیت‌های داستان اینگونه بیان می‌کند:

مرشد کامل رفت و ما را بدون حامی و پشتیبان گذاشت. در زمان او کسی جرأت نداشت مداح مرتضی علی را کتک بزند... قدغن شد که دیگر در بازارها تبرا ممنوع باشد. خدایا خودت مذهب اثنی عشری را از شر توله‌های خواندگار حفظ فرما (مسرور، ۱۳۸۳: ۲۳۹)

مسرور حتی قتل و کشتار گسترده مردم تبریز به دست قزلباشان، به اتهام سنی بودنشان را به بهانه ایجاد وحدت مذهبی توجیه می‌کند. به طور کلی ردپای تأکید بر شیعی بودن در

برابر سنی و گروه‌بندی‌های ایدئولوژیکی را در بسیاری از حوادث داستان می‌توان دنبال کرد. در مجموع نمادها و رمزگان‌های شیعی بسیاری در این اثر به کار گرفته شده است که از جمله آنها می‌توان به تأکید بر نام حضرت علی (ع)، حیدر و شاه نجف - که از معروف‌ترین نام‌ها و القاب ایشان است - اشاره کرد که در دل‌آوری‌ها و شجاعت‌هایش الگوی جوانان قزلباش برای هجوم بر دشمن و دستگیر آنها در حوادث زمانه بود. مسرور در این اثر همچنین به تقابل اعراب مسلمان با ساسانیان اشاره می‌کند و از ایران پیش از حمله اعراب به عنوان «کارگاه جور و ستم» نام می‌برد و اندیشه خود را درباره اسلام اینگونه بیان می‌کند:

تیسفون هم مانند قسطنطنیه روزی درهای خود را به روی عدالت بست و می‌خواست کارگاه جور و ستم همچنان تاریک بماند و جرایم آن مشهود نگردد و به قول برزویه طیب، لوم و دنانت به استیلائی خود ادامه دهد؛ اما غرش ایمان و تقوا ستون‌های آن را به لرزه درآورد و جز ایوانی که صدای زنگ عدالت را شنیده بود، همه جا به ویرانی و فنا محکوم گشت، به جان آمد و آنچه در دل داشت بیرون ریخت. (مسرور، ۱۳۸۳: ۳۳۳)

قابل ذکر است که انعکاس تمامی ابعاد ایدئولوژی مذهبی در این اثر به شیوه «صف-آرایی و جهت‌گیری» نبوده است. نمونه بارز این امر در اشاره به نقش مهم مذهب در سیاست و همراهی آن دو است که از مهم‌ترین ایدئولوژی‌های حاکم بر این اثر است. مسرور علاقه به پادشاهان صفوی و محبوبیت آنها در بین مردم را بارها به علایق دینی آن‌ها و پیرویشان از مذهب تشیع پیوند زده است و این دو (علاقه مردم به پادشاهان صفوی و علاقه مردم به مذهب تشیع) را یکی دانسته است. او اعتقادات شدید مذهبی مردم را عامل تقدس پادشاهان خوشنام صفوی دانسته است و در مواقعی که پادشاهانی چون شاه اسماعیل دوم مردم را آزرده خاطر می‌ساختند مردم از حضور در تکیه‌ای که مخصوص دولت و به نام شاه تهماسب و مرشد کامل بود خودداری می‌کردند و اینگونه مسرور پیوند و جدایی ناپذیری مذهب و سیاست را نشان می‌دهد:

شاه آهسته به بیگلربیگی گفت: - صوفی امشب تکیه دولت چرا خالی است؟ - این نشانه خشم و غضب مردم است و گرنه در تکیه‌های دیگر جای سوزن نیست. در زمان

شاه جنت مکان شاه طهماسب، هرشب رمضان در این تکیه هشتاد من ته شمع روشن می‌کردند. شاه در خشم شده، سکوت کرد... (مسرور، ۱۳۸۳: ۲۷۷)

به طور کلی پرداختن به ایدئولوژی مذهبی یکی از مهم‌ترین اهداف نگارش این اثر است و در سرتاسر رمان به صورت نمادهای فرهنگی و مذهبی چون مساجد و تکیه‌ها، خانقاه اردبیل، تکرار عدد دوازده به عنوان نماد شیعه دوازده امامی (صص ۱۷۸، ۱۷۲، ۱۲۴، ۲۵، ۲۱) به علاوه، استفاده از تکیه کلام‌های نگرشی و اعتقادی چون «خدا از تو راضی باد» (۱۲۲)، «تو را به خدا می‌سپارم» (۱۲۳)، «خدا کند اینطور نشود» (۱۱۹) و منع رقص و موسیقی در مجالس و توبه از شراب، اشاره به برپایی نماز به وفور در این اثر دیده می‌شود. از دیگر تقابلهای مطرح شده در این اثر که به خوبی بیانگر ایدئولوژی ناسیونالیسم است، تقابل ایرانیان با نیروهای عثمانی، ازبک و پرتغالی است. مسرور با تأکید بر شجاعت‌ها و جانفشانی‌های جوانان ایران در برابر لشکر انبوه و مسلح دشمن تلاش می‌کند ایدئولوژی ناسیونالیسم را در ذهن مخاطب خود مستحکم کند:

امت‌بیک در حالی که دوست و دشمن را خیره ساخته بود، تفنگ را به کناری افکنده، به دست راست زوبین و به دست چپ قمه‌ای نازک داشت، به انبوه سوارانی که قصد عبور از پل را داشتند حمله می‌برد، زوبین را در شکم اسب فرو برده، مرد و مرکب را به رودخانه می‌انداخت، سپس با قمه پیادگان را تعقیب می‌کرد، با دست زخم می‌زد و با پا از جسر پایین می‌افکند. تاتارها از طرز دفاع امت‌بیک و حالت از خودگذشتگی او بی‌اختیار دست از تیراندازی کشیده به مشاهده آن احوال مشغول شدند. (مسرور، ۱۳۸۳: ۴۰۳)

در حقیقت مسرور با به کارگیری این تقابلهای بر یک گفتمان تأکید می‌ورزد و تلاش می‌کند آن را به وسیله ایدئولوژی بر ذهن مخاطبش حاکم کند و آن «از جان گذشتگی برای حفظ و اقتدار وطن» و تجسم احساسات ناسیونالیستی است. در این داستان ایرانیان در برابر ازبکان، تاتارها، عثمانی‌ها و پرتغالی‌ها قرار می‌گیرند و چیزی که اهمیت می‌یابد «فدایی وطن بودن» است. در این اثر خواننده با جمله «جان من برای حفظ خاک میهنم چه ارزشی دارد؟» کاملاً آشناست. سربازانی که از آنان با عنوان «جوانان جان به کف قزلباش» نام برده می‌شود با دست خالی به مهلکه‌های پر خطر نبرد با دشمنان و متجاوزان خاک وطن می‌روند تا جلوی نفوذ هر بیشتر آن‌ها را بگیرند. در توصیف یکی از سرداران قزلباش آمده:

سرداری باشهامت بود که زیر بار ننگ نرفت... خود به جنگ ادامه داد تا ننگ فرار بر مردم ایران صدق نکند و قزلباش بدنام نشود. او می‌توانست خارج گردد و شهر را در مقابل دشمن رها سازد، اما خون پاک شرایین او این خفت و خواری را تحمل نکرد تا خود و لشکریانش مردوار به خاک رزمگاه خفتند و نام نامی خود را به مردی زیب صفحات تاریخ کردند. (مسرور، ۱۳۸۳: ۷۲۰)

اینگونه مرگ‌ها آنقدر با ارزش هستند که راوی بارها و بارها از آنان سخن گفته است. استفاده از ایدئولوژی برای بیان این اندیشه‌ها یادآور سخن جان پلامناتز است که «در عصر ما برای ترغیب مردم به فداکاری‌های بزرگ در راه آرمان‌هایی که نزد رهبران بسیار مهم و پرمعناست، از ایدئولوژی بهره گرفته می‌شود.» (پلامناتز، ۱۳۸۹: ۱۷۳) راوی در این اثر، از دست رفتن بزرگترین دارایی انسان که همان جان اوست و داوطلب شدن برای از دست رفتن جان را به وسیله ایدئولوژی موجه و ارزشمند جلوه می‌دهد.

۲.۴.۳ پرده‌پوشی

ایدئولوژی به طبقات سرکوبگر امکان می‌دهد که علایق ناپسند خود را در قالب کلمات زیبا بیان کنند و این امر در حقیقت نوعی حیل‌گری سیاسی است؛ بنابراین ایدئولوژی گاهی پرده استتاری می‌شود که فرد یا طبقه متخاصم می‌خواهد منافع خود را پشت آن پنهان کند (نک: بشلر، ۱۳۷۰: ۷۵). ایدئولوژی همچون کیمیاگر بد را به خوب و خوب را به بد تبدیل می‌کند. رمز این تبدیل بسیار ساده است. کافی است ایدئولوژی دشمن را شیطان معرفی کند و یا بگوید ارزش‌هایی در سیاست وجود دارد که از ارزش‌های اخلاقی هم بالاتراند. در این صورت ارزش‌های اخلاقی موجود به وسیله‌ای برای هدف تبدیل می‌شوند و در نتیجه مثل هر وسیله‌ای می‌تواند مهم و کارساز شود. (همان: ۷۹).

یکی از مهم‌ترین پرده‌پوشی‌های راوی در این اثر مربوط به هویت «قزلباشان» است که به نظر می‌رسد بسیار در آن موفق بوده است. قزلباشان از عناصر کلیدی این اثر هستند. آژند معتقد است که «به لحاظ قوم‌شناختی تبار این طبقه تا حدودی مبهم است و در زمان و مکان متفاوت، اشارات گوناگونی را برانگیخته است؛ اما در کل این نهضت را می‌توان یک نهضت مرکب قومی - مذهبی بر شمرد» (آژند، ۱۳۸۰: ۳۱۱) اما حسین مسرور قهرمان‌سازی از قزلباشان را از صفحات ابتدایی کتاب آغاز کرده و حجم زیادی از داستان را به شرح دلاوری‌ها و جانفشانی‌های آن‌ها اختصاص داده است و از جان‌گذشتگی این قهرمانان در

نبردهای نابرابر ایران همواره نجات‌دهنده وطن بوده است. مسرور در سرتاسر رمان برای همراهی مخاطب و تحریک حس ناسیونالیستی او ایران را «مملکت قزلباش» می‌نامد و نیروهای قزلباش را به عنوان سربازان فدایی وطن، یک منجی و کسانی که هست و نیست و آمال و آرزوهایشان را فدای ایران و یک ذره از خاک وطن می‌کنند، معرفی می‌کند؛ تا ایدئولوژی خود را آشکار کند اما روایت متون تاریخی درباره قزلباشان دیگرگونه است و «مملکت قزلباش به این معنا است که قزلباشان ایران را به تملک خود درآورده بودند و ایران را از ایرانیان گرفته بودند.» (خنجی، ۱۳۹۴: ۲۲) براساس کتاب *تاریخ شاه اسماعیل صفوی*:

امیر تیمور بعد از خرابی‌های بسیاری که در ایران به بار آورد، از آنجا که مورد حمایت خانقاه اردبیل واقع شده بود، هزاران نوجوان تاتار را که در آناتولی اسیرگرفته بود به عنوان صدقه به خانقاه اردبیل تقدیم کرد و این چند هزار جوان تاتار، هسته اولیه گروهی را که با نام ترکی قزلباش معروف شدند، تشکیل دادند (ر.ک: خنجی، ۱۳۹۴: ۲۶)

و از آن‌ها با عنوان قزلباشان تاتار آناتولی یاد می‌شود. چنان‌که خنجی در این باره می‌نویسد قزلباشان در مواقع بسیاری برای دست‌یابی به هدف خود از قتل و کشتار و ویرانی سرزمین ایران ابایی نداشتند و بر خلاف روایت مسرور در *ده نفر قزلباش*، جوانمردان واقعی نبودند. همین مؤلف در ادامه چنین می‌آورد:

...سپس سوار بر اسبان‌شان از رود کر عبور کرده، به سوی شماخی پیش رفتند. مردم شماخی که از تاراج‌ها و تجاوزات قزلباشان خبر یافته بودند، پیش از رسیدن آن‌ها شهر را رها کرده به درون کوهستان گریختند. قزلباشان وارد شماخی شده دست به کشتار گشودند، شهر را ویران ساختند... (خنجی، ۱۳۹۴: ۶۵)

آن‌ها همچنین پس از تسلیم نشدن مردم تبریز به اتهام سنی بودنشان، در روز جمعه و در حالی که مردم برای نماز آماده بودند، مسجد تبریز را به قلتگاه تبدیل کردند به گونه‌ای که هیچ کس نتوانست از دست قزلباشان جان سالم بدر ببرد (همان: ۷۱) بر اساس منابع تاریخی بر خلاف آنچه مسرور گفته و قزلباشان را فداییان وطن معرفی کرده، آن‌ها هرگز ایرانی نیستند. باستانی پاریزی نیز درباره حمله قزلباشان به سیستان و تصرف آن نواحی چنین نوشته است:

تنها کافی است اشاره کنیم که در همین سیستان، تسلط امرای قزلباش چه نتایجی داشت: املاک مردم به تصرف آنان درآمد، آشفتگی در شهر راه یافت و اوپاش مسلط شدند و کار به جایی رسید که هر ده نفر و بیست نفر از گرگان و شبگردان به شهر آمدند و هر کس را می‌خواستند تاراج می‌کردند و می‌رفتند... (باستانی پاریزی، ۱۳۶۲: ۲۸).

حسین مسرور در روایت ده نفر قزلباش این حقیقت تاریخی را پرده‌پوشی کرده است؛ درباره شاه عباس نیز که اصلی‌ترین قهرمان رمان مسرور است همین امر صدق می‌کند و ابداً به ویژگی‌های مذموم اخلاقی و رفتاری این شاه که در تاریخ عصر صفویه انعکاس یافته، پرداخته نشده تا او قهرمان خوشنام این روایت تاریخی باشد. مسرور، شاه عباس را صاحب نیکوترین خصال و مصلحی اجتماعی معرفی کرده است:

حسن شهرت و آوازه عدالت شاه عباس چنان ملت را تکان داده بود که هر کس مایل بود شاه جوان را دیدن کرده و در عرض خلوص و جانفشانی از دیگران عقب نماند و مراتب تقدیر و رضایت عمومی را به این وسیله به مصلح اجتماعی جدید عرضه نماید (مسرور، ۱۳۸۳: ۹۰۹)

اما روایت تاریخ‌پژوهان درباره قهرمان بی‌بدیل ده نفر قزلباش متفاوت است؛ چنانکه در کتاب زندگانی شاه عباس کبیر آمده: «از این تاریخ شاه عباس حکومت شخصی و استبدادی را آغاز کرد. او بی‌اندک ملاحظه و ترحم و تردید هر کس را که به حقیقت یا به گمان مانع فرمانروایی مطلق و مخالف اراده خویش می‌دید با شمشیر یا به حیل و تدبیر از میان برداشت (فلسفی، ۱۳۴۷: ۱۴۷) مسرور او را در نهایت رقت قلب و مهربانی و عدالت-پیشگی معرفی کرده است؛ حال آنکه بر اساس آنچه در دیگر پژوهش‌های تاریخی آمده شاه عباس طرفدار جنگ و خونریزی‌های مذهبی بود و همچون تماشچی نبرد گلاادیاتورها از آن لذت می‌برد. در حقیقت مسرور هیچ چیز درباره گرایش او به خشونت مذهبی و در معنای عام‌تر نگرش ماکیاولیستی شاه عباس و دیگر پادشاهان صفوی ننوشته است. کالمار می‌نویسد: «... شاه همیشه از اینکه جانب یکی از طرف‌های دعوا را بگیرد، لذت می‌برد. پس از آنکه آن‌ها به جان هم می‌افتادند، می‌رود جایی می‌نشیند و از پنجره‌ای این صحنه ناهنجار زد و خورد را تماشا می‌کند...» (کالمار، ۱۹۹۶: ۴۶). مسرور در این اثر از پرده‌پوشی برای

نشان دادن محبوبیت حکومت و ضرورت اطاعت از حکومت استفاده کرده است، که از نمونه‌های ایدئولوژی زدگی متن است.

۳.۴.۳ توجیه

یکی از کارکردهای ایدئولوژی که در آن فرد تلاش می‌کند برای عمل خود دلیلی به ظاهر منطقی بیاورد توجیه است؛ هر چند که به لحاظ نظری «توجیه ایدئولوژیک، معمولاً بی‌ثمر و کم‌تأثیر است و اصولاً توجیه غیر ممکن است و با هیچ دلیل عقلی نمی‌توان ارزشی را به کسی القا کرد» (بشلر، ۱۳۷۰: ۷۰). به عقیده بشلر در هر ایدئولوژی عده‌ای متعصب و جزمی پیدا می‌شوند و شدت علاقه، به ماهیت ایدئولوژی ربطی ندارد بلکه به وضعیت روانی شخص بستگی دارد و در دل‌بستگی و جانفشانی در راه ایدئولوژی شخصیت فرد مهم است و نه ایدئولوژی و ارزش‌های آن. (همان: ۷۴) در این اثر نیز تعصب شدید نویسنده او را به سمت و سوی ایدئولوژی سوق داده است.

مسرور در این اثر، شاه تهماسب اول را به عنوان یک پادشاه قدرتمند و کسی که به گردن ایران و ایرانیان حق بزرگی دارد معرفی می‌کند و دشمنی او با اهل تسنن، هتک حرمت و قتل و کشتار آن‌ها را به بهانه وحدت سیاسی کاملاً توجیه پذیر جلوه می‌دهد. ایدئولوژی در حقیقت این شرایط را فراهم می‌کند تا جنایت به فضیلت تبدیل شود و بهترین وسیله برای انحراف انسان از موازین اخلاقی است؛ زیرا بدون ایدئولوژی هیچ کس نمی‌تواند با خیال راحت به آزار و شکنجه و قتل و کشتار دست بزند و در این اثر می‌بینیم که راوی چگونه زیر سایه ایدئولوژی این قتل و کشتارها را موجه جلوه می‌دهد. ضرورت پیروی از فرمان شاه و خاندان سلطنتی به عنوان مؤلفه ایدئولوژیکی مهم در این اثر مطرح است. شروع داستان با فرمان عجیب شاه تهماسب مبنی بر سفر به تربت و رساندن فرمان قتل عام کلیه زنان و کودکان خاندان سلطنتی است که در محاصره عبدالله خان ازبک هستند و شاه برای حفظ آبرو، فرمان قتل آن‌ها را صادر کرده است تا مبادا به دست دشمن بیفتند و آبروی مملکت قزلباش بر باد رود. فرمانی سخت و مؤکد که سخن گفتن از آن نیز دشوار بود و چه رسد به اجرای آن؛ اما می‌بینیم که راوی چگونه تبعیت شخصیت‌ها را از این فرمان شاه نشان می‌دهد:

کارکردشناسی ایدئولوژی در رمان ده نفر قزلباش (سمیه شرونی و دیگران) ۱۳۱

...نخستین داوطلب گفت: ما از شاه مردان و الطاف پادشاهانه بهادرخان سپاسگزاریم که توفیق چنین خدمت شایسته و سترگ را به امثال ما بندگان ناچیز عنایت فرموده، سعادت آن را یافته‌ایم که در راه فرمانبرداری و اجرای امر مرشد کامل و شاهنشاه عادل جانبازی کرده با خون خویش رهگذر دشمنان آیین و کیش را گلگون سازیم و نام خود را در تاریخ به صوفی‌گری و شاه‌پرستی باقی گذاریم... (مسرور، ۱۳۸۳: ۱۱).

خاندان سلطنتی در قلعه‌ای به محاصره دشمن درآمده بودند و ورود به قلعه با جانفشانی همراه بود آن هم جانفشانی نه برای رهایی و نجات زنان و کودکان، بلکه جانفشانی برای قتل عام بی‌گناهان؛ اما این فرمان، زیر سایه ایدئولوژی، نه تنها موجه است بلکه بسیار پسندیده نیز هست و انجام آن با افتخار بسیار همراه است. اینگونه فرمان‌ها و اطاعت بی‌چون‌وچرای مردم از آن‌ها در سرتاسر رمان دیده می‌شود.

از دیگر مصادیق ایدئولوژی‌زدگی این متن که بر پایه توجیه صورت گرفته است، «تقدیرگرایی» است که معمولاً در طول تاریخ، پادشاهان و حکام برای توجیه اعمالشان از آن سود برده‌اند؛ چرا که باور به تقدیرگرایی بار مسئولیت را از دوش آدمی برمی‌دارد. اعتقاد به قضا و قدر در وقوع پدیده‌های تاریخی یک نگرش ایدئولوژیکی است که در این اثر نمود قابل توجهی دارد و شخصیت‌های داستان تمام ناکامی‌ها و نامرادی‌ها را به دوش تقدیر می‌گذارند و وقوع هر اتفاقی در آینده را به وسیله تقدیر توجیه می‌کنند و به این امر که کاری در برابر تقدیر از دستشان بر نمی‌آید معترف‌اند: «دست تقدیر جام مراد مراد نوشته‌شده، سرنگون ساخت» و یا «فعلاً از تعقیب مراد دست برداری تا ببینم روزگار شعبده‌باز در پس پرده تقدیر چه خواهد کرد و کدام سوار کامکار به میدان خواهد تاخت.» (مسرور، ۱۳۸۳: ۴۹۷). این مضمون همچنین در صفحات (۱۱۲۶، ۱۱۱۶، ۷۸۴، ۷۴۹) و... نیز ذکر شده است.

۴.۴.۳ موضع‌گیری

ایدئولوژی با تعارض‌های سیاسی همراه است و زمانی که بین چند موضع مختلف حق انتخاب وجود داشته باشد موضع‌گیری می‌تواند شکل گیرد و ایدئولوژی خود را نشان دهد. از آنجا که انتخاب عملی است دلخواه، تنها ایدئولوژی است که انسان را به گزینش تشویق می‌کند؛ بنابراین، موضع‌گیری انتخاب یک موضع از بین چند شق ممکن است (نک: بشلر، ۱۳۷۰: ۸۱) موضع‌گیری در این اثر چندین بار روی داده است و راوی هر زمان که

شخصیت‌های داستان‌ش در انتخاب مسیر درست دچار شک و تردید می‌شوند، اقدام به موضع‌گیری می‌کند و ایدئولوژی را نشان می‌دهد. در ماجرای رسیدن فرمان قتل عام زنان و کودکان خردسال خاندان سلطنتی به شاهوردی بیک، راوی از ایدئولوژی با کارکرد موضع‌گیری استفاده می‌کند: «با خود گفت: آه خدایا چه کنم؟ بایستی امشب شمشیر کشیده، طفلان بی‌گناه و دختران معصوم را سر بریده، در خاک هلاک مدفون سازم. این آخرین خدمت من به خاندان دولت خواهد بود» (مسرور، ۱۳۸۳: ۲۷) و می‌بینیم که ضرورت اطاعت از فرمان پادشاه حتی قتل و خونریزی زنان و کودکان بی‌پناه را نیز توجیه می‌کند، و در ادامه، همین‌که شاهوردی تصمیم به خودکشی می‌گیرد باز راوی با استفاده از ایدئولوژی مذهبی او را از این کار باز می‌دارد:

خوب حالا اگر من خودکشی کنم و ننگ خسرالدنیا و الاخره را بر خود هموار سازم، چه خواهد شد؟ برادرم این مأموریت را انجام خواهد داد. متها من، هم خلاف امر مرشد کامل رفتار کرده و هم بر خلاف دستور خدا و رسول، به کاری که درخور بیچارگان و نومیدشدگان است، دست زده‌ام. در این صورت دو خطا مرتکب شده‌ام، آن وقت گدای ارمنی خواهم بود (مسرور، ۱۳۸۳: ۲۸).

علاوه بر این استفاده از موضع‌گیری برای اقناع خواننده درباره ضرورت حضور یک چهره سیاسی متکبر و خودخواه نیز به کار گرفته شده است: «درست است که میرزا متکبر و خودخواه بود و دسته مخالفان او قوی و مؤثر بودند اما باز از نظر شخصیت خارجی، رقیب و قرین مصطفی پاشا وزیر اعظم بود و افسون او را باطل می‌ساخت. سرداری رشید و دانشمندی بدیع بود» (مسرور، ۱۳۸۳: ۶۰۱)

۵.۴.۳ دریافت

درک و دریافت نیز یکی کارکردهای ایدئولوژی است. از آنجا که همواره انسان‌ها برای تفکیک اطلاعات قابل اعتماد از غیر قابل اعتماد دچار شک و تردید می‌شوند، تنها ایدئولوژی است که به انسان امکان می‌دهد تا واقعیت‌ها را به صورت ثابت و انجماد یافته دریافت کند. (بشler، ۱۳۷۰: ۹۰)

بنابراین ایدئولوژی یکی از عناصر ضروری و اجتناب‌ناپذیر عمل سیاسی است. نویسنده داستان گاهی نیز به شیوه درک و دریافت، ایدئولوژی و عقیده خود را به مخاطب تحمیل

کارکردشناسی ایدئولوژی در رمان ده نفر قزلباش (سمیه شرونی و دیگران) ۱۳۳

می‌کند. از آنجا که نویسندگان رمان‌های تاریخی در پاره‌ای از موارد ادعای تاریخ‌نویسی داشتند درباره صحت و سقم اطلاعات مطرح شده در آثارشان نیز اظهار نظر می‌کردند و با استفاده از ایدئولوژی خواننده را قانع می‌ساختند. برای نمونه مسرور می‌نویسد:

تاورنیه این بناها را مسجدهایی می‌داند که چون پیروان عمر آن را ساخته‌اند، ایرانیان، که پیروان علی هستند به آن‌ها با نظر نفرت نگریسته به حال خود گذاشته‌اند تا ویران گردد. این ابله نمی‌دانسته است که مسجد، پیروی علی و عمر ندارد و از هر دسته و طبقه باشد برای مسلمانان محترم است... تاورنیه سیاح که بایستی حقاً او را سر حلقه دزدان آسیا نامید، چه اینان کسانی بودند که نخست برای غارت بلاد مشرق به کشور ما سُر داده شده، اساس یغما و چپاول هستی ما را آغاز نهادند. (مسرور، ۱۳۸۳: ۶۵۲)

راوی در این عبارت، بخشی از روایت «تاورنیه» را درباره نوع خاصی از مساجد ایران ذکر کرده است، اما با استفاده از ایدئولوژی به شیوه دریافت، نادرستی نظر او را به مخاطب نشان داده است. نخست او را «ابله» خوانده است و سپس به او لقب «سردسته دزدان آسیا» داده است و اینگونه خوانندگان را در تفکیک اطلاعات درست از نادرست یاری داده است. در حقیقت نویسنده با گزینش این واژه‌ها و حسی که به مخاطب القا می‌کند، تلاش می‌کند مرکز معنایی مورد نظر خود را تقویت کند تا بتواند مخاطب را با خود همراه سازد.

مسرور اساساً به سیاحت‌نامه‌نویسان روی خوش نشان نمی‌دهد و آنان را مقصر تمام جنگ‌ها و آشوب و ناامنی‌های ایران می‌داند و آن‌ها را این‌گونه توصیف می‌کند:

عامل این اعمال ناشایست همان سیاحان و سیاحت‌نامه نویسان بودند که هر یک به نوعی مشرق‌زمین را برای هم‌وطنان خود شرح دادند که اولاً منبع جواهر و طلا باشد، ضمناً هم مردمش را گول و احمق و زبردست آدمکشان و خونخواران جلوه دهند. خوشبختانه این سیاحان از شدت ولع و شتابزدگی فرصت ندادند پرده‌ای هم روی اعمال قبیح و زشت خود بکشند... (همان: ۶۵۴)

و اینگونه با استفاده از ایدئولوژی خوانندگان را نسبت به نوشته‌های آنها بی‌اعتماد می‌سازد.

در مجموع باید گفت کارکردهای ایدئولوژی بشلر بیانگر آن است که رسالت ایدئولوژی این است که ضابطه یا معیاری به دست می‌دهد تا شخص دوست را از دشمن باز شناسد و گزینش ارزش‌ها را توجیه کند و شهوات را پرده‌پوشی نماید و اخلاق را به خدمت سیاست

بگیرد و رذالت را به فضیلت بدل سازد و به عمل سیاسی ارزش و جهت دهد؛ بنابراین ایدئولوژی یکی از عناصر ضروری و اجتناب‌ناپذیر عمل سیاسی است. (ر.ک: بشلر، ۱۳۷۰: ۹۶)

۴. نتیجه‌گیری

عوامل مختلفی همچون بافت تاریخی، نهادهای سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و ایدئولوژیکی روزگار نویسنده در شکل‌گیری یک متن مؤثر است. رمان تاریخی *ده نفر قزلباش* از آنجا که به انعکاس اعتقادات نویسنده پرداخته است، سرشار از نشانه‌های ارزشی است. فراوانی بسامد واژگانی که بار ایدئولوژیکی دارند گاهی متن را به یک بیانیه سیاسی و مذهبی تبدیل می‌کند و به خوبی دل سپردگی نویسنده را به یک گروه ایدئولوژیک نشان می‌دهد. *ده نفر قزلباش* تحت تأثیر تعهد نویسنده به هویت ملی و دینی‌اش نگاشته شده است. مسرور در این اثر تاریخ عصر صفویه را با استفاده از دو قانون «حذف» و «انتخاب» روایت می‌کند و در حقیقت یک نوع روایت زبانی خاص می‌آفریند.

صف‌آرایی و جهت‌گیری از پر بسامدترین کارکردهایی است که ایدئولوژی‌زدگی متن با استفاده از آن نشان داده شده است؛ یعنی نویسنده دو مذهب، دو اندیشه، دو کشور را رو در روی هم قرار می‌دهد و سپس با برتر دانستن یکی نسبت به دیگری، ایدئولوژی حاکم بر ذهن و زبان خود و جامعه را بر متن حاکم می‌کند. مهم‌ترین این جهت‌گیری و صف‌آرایی-ها در این اثر، تقابل ایران با بیگانگان، تقابل مذهبی پیروان سنی و شیعه و نزاع‌های مذهبی عصر صفویه است. به طور کلی ایدئولوژی مذهبی یکی از مهم‌ترین موارد مطرح شده در این اثر است و در سرتاسر رمان به صورت نمادهای فرهنگی و مذهبی و استفاده از تکیه کلام‌های نگرشی و اعتقادی دیده می‌شود. علاوه بر صف‌آرایی و جهت‌گیری، از «موضع‌گیری» نیز برای نشان دادن نقش مهم مذهب و ضرورت همراهی دین و سیاست استفاده شده است. «توجیه» دیگر کارکرد ایدئولوژیکی است که در این متن بسامد بالایی دارد و از جمله مصادیق آن، ایدئولوژی تقدیرگرایی است. «پرده‌پوشی» نیز از مهم‌ترین موارد به کار گرفته شده است که استفاده از آن برای نشان دادن محبوبیت حکومت و ضرورت اطاعت از آن، از نمونه‌های ایدئولوژی‌زدگی متن است. علاوه بر این‌ها، مسرور در این اثر با استفاده

کارکردشناسی ایدئولوژی در رمان ده نفر قزلباش (سمیه شرونی و دیگران) ۱۳۵

از کارکرد ایدئولوژیکی «درک و دریافت» تلاش کرده است مخاطب را با خود همراه سازد و اطلاعات تاریخی مطرح شده را در اثرش را به مخاطب بقبولاند.

کتابنامه

- اتحاد، هوشنگ (۱۳۷۹): پژوهشگران معاصر ایران، جلد دوم، تهران: فرهنگ معاصر.
- اکبریانی، محمدهاشم (۱۳۹۶). ایدئولوژی و ادبیات: بررسی تطبیقی اندیشه‌های حافظ، مولوی، خیام، شاملو و فروغ، تهران: مروارید.
- آزند، یعقوب (۱۳۸۰). تاریخ ایران: دوره صفویه، پژوهش از دانشگاه کمبریج، جلد سوم، تهران: جامی.
- امن‌خانی، عیسی (۱۳۹۸). تبارشناسی نقد ادبی ایدئولوژیک: پژوهشی پیرامون نقد ادبی ایدئولوژیک در ایران معاصر، تهران: خاموش.
- بالیار، آتین و ماشری، پیر (۱۳۸۶). «در باب ادبیات به مثابه شکلی ایدئولوژیک»، ترجمه مادانا منصور، نشریه زیباشناخت، شماره ۱۷، صص ۲۲۹-۲۰۷.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۶۷) سیاست و اقتصاد عصر صفوی، تهران: انتشارات صفی علی. بشلر، ژان (۱۳۷۰). ایدئولوژی چیست؟: نقادی بر ایدئولوژی‌های غربی، ترجمه علی اسدی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- پارسانسب، محمد (۱۳۹۰). نظریه و نقد رمان تاریخی فارسی، چاپ دوم، تهران: چشمه.
- پلامناتز، جان (۱۳۸۹). ایدئولوژی، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- خنجی، امیرحسین (۱۳۹۴). تاریخ شاه اسماعیل صفوی: ارمغان آوران تشیع، انتشارات دیجیتال. ساسانی، فرهاد (۱۳۸۹). «تأثیر بافت متنی بر معنای متن»، دو فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه الزهراء، شماره ۳، صص ۱۲۴-۱۰۹.
- سپانلو، محمد علی (۱۳۸۱). نویسندگان پیشرو ایران، چاپ ششم، تهران: نوبهار.
- سیاسی، محمد (۱۳۴۸). یادگار سخن: زندگانی و اشعار استاد حسین مسرور (سخنیار)، اصفهان: کتابفروشی تأیید.
- فلسفی، نصرالله (۱۳۴۷). زندگانی شاه عباس کبیر، چاپ پنجم، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- کالمار، ژان (۱۹۹۶). «آیین‌ها و اقتدار تشیع» ترجمه یدالله آقا عباسی، فصلنامه تئاتر، صص ۱۱۶-۳۵.

۱۳۶ ادبیات پارسی معاصر، سال ۱۲، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۱

لوفور، هانری (۲۰۰۸). *جامعه‌شناسی مارکس*، ترجمه روح‌الله عباسی. نشر الکترونیکی انجمن فرهنگی و هنری ایران و فرانسه.

مانهایم، کارل (۱۳۸۰). *ایدئولوژی و اتوپیا*، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران: سمت.

مرادی، کمال (۱۳۸۶). *نقش ایدئولوژی در روابط بین‌الملل*، تهران: پلک.

مسرور، حسین (۱۳۸۳). *ده نفر قزلباش*، تهران: هرمس.

مسرور، حسین (۱۳۳۸). *راز الهام: دیوان اشعار*، تهران: مهرآیین.

مک‌للان، دیوید (۱۳۸۵). *ایدئولوژی*، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، چاپ دوم، تهران: آشیان.